



The Foundations of Quranic Hope-Based Management Based on the Divine Traditions with Emphasis on the Second Step of the Revolution Declaration*

Seyyed Ali-Asghar Alavi*

Abstract

Hope is a prominent term in the discourse of the Supreme Leader of the Islamic Revolution, particularly emphasized in the Second Step of the Revolution Declaration. The first recommendation in this document is to foster hope and adopt an optimistic outlook towards the future. This hope is not merely a superficial optimism but a genuine and sincere hope, the understanding of which requires reflection through divine revelations. The Quran, with its wisdom in leadership, plays a central role in shaping this hope. Divine traditions, or the laws of God as mentioned in the Quran, form the foundation for generating authentic hope and provide the underpinning for hope-based management. The present study aims to explore, through descriptive-analytical methods, the relationship between divine traditions and the cultivation of hope for the future among managers, thereby establishing this foundational belief within the framework of management. One of the key outcomes of this research is the understanding of the relationship between Quranic teachings, such as divine traditions, and managerial behavior, particularly in decision-making. The central manifestation of this is hope-based management and an optimistic approach towards the future.

Keywords: Quran, Divine Traditions, Management Foundations, Hope, Optimism, Future, Second Step of the Revolution Declaration, Seyyed Ali Khamenei, Quranic Leadership.

*. Received: ۲۵/۰۳/۱۴۰۳ SH (۱۵/۰۶/۲۰۲۳ CE) and Accepted: ۱۶/۰۵/۱۴۰۳ SH (۰۶/۰۸/۲۰۲۳ CE).

*. Specialized PhD in Quran and Management, Al-Mustafa International University, Qom: modirekarbala^{۳۱۳}@chmail.ir.



مبانی قرآنی مدیریت امیدمحور بر اساس سنت‌های خدا با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب*

سید علی اصغر علوی*

چکیده

امید در ادبیات رهبر معظم انقلاب کلمه‌ای پربسامد است. در متن بیانیه گام دوم، توصیه نخستین، توصیه به امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. این امید که البته امیدی صادق است و تبیین آن در آینه آموزه‌های وحیانی ضروری می‌نماید، مدیریتی را به دنبال خواهد داشت که برای مدیران سودمند است. با عنایت به این مطلب که قرآن در رهبری حکیمانه رهبر معظم انقلاب جایگاه ویژه‌ای دارد بایست در قرآن دلایل این امید را جست. سنت‌ها یا همان قانون‌های خدا در قرآن زمینه‌ای برای ایجاد این امید صادق ایجاد می‌کند و پشتوانه‌هایی برای مدیریت امیدمحور خلق می‌نماید. تحقیق حاضر درصدد است با روش تحلیلی توصیفی نسبت بین سنت‌ها و کیفیت ایجاد امید به آینده را در مدیران بیابد و این باور مبنایی را در مدیریت تبیین نماید. از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش فهم نسبت بین آموزه‌هایی مانند سنت‌ها در قرآن و رفتار مدیران و خصوصاً تصمیم‌های آن‌ها است که محوری‌ترین جلوه آن مدیریت امیدمحور و نگاه خوش‌بینانه به آینده است.

واژگان کلیدی: قرآن، سنت‌ها، مبانی مدیریت، امید، خوش‌بینی، آینده، بیانیه گام دوم

انقلاب، سید علی خامنه‌ای، رهبر قرآنی

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶
* دکتری تخصصی قرآن و مدیریت جامعه المصطفی العالمیه قم:

@modirekarbala۳۱۳@chmail.ir



مقدمه

بیانیه گام دوم انقلاب که به مثابه منشوری برای دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است و فصل جدیدی را در زندگی جمهوری اسلامی گشوده است. در متن بیانیه گام دوم، توصیه نخستین، توصیه به امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. این امید که البته امیدی صادق است و تبیین آن در آینه آموزه‌های وحیانی ضروری می‌نماید، مدیریتی را به دنبال خواهد داشت که برای مدیران سودمند است. با عنایت به این مطلب که قرآن در رهبری حکیمانه رهبر معظم انقلاب جایگاه ویژه‌ای دارد بایست در قرآن دلایل این امید را جست. سنت‌ها یا همان قانون‌های خدا در قرآن زمینه‌ای برای ایجاد این امید صادق ایجاد می‌کند و پشتوانه‌هایی برای مدیریت امیدمحور خلق می‌نماید.

بیان اهمیت و ضرورت

بیانیه گام دوم انقلاب را از مهم‌ترین اسناد بالادستی تفکر انقلابی باید دانست. متنی که باید برای همه قابل توجه باشد و خود را به آگاهی و عمل نسبت به آن ملزم بدانند. این آگاهی هر قدر عمیق‌تر باشد عمل به آن هم جدی‌تر خواهد شد. این بیانیه برای همه حرف‌های تازه‌ای دارد اما خواص و خصوصاً مدیران باید خود را بیش از همگان مخاطب این سند راهبردی بدانند که از رهبری حکیم صادر شده است و آن‌ها باید هم خود واقف بر مضامین و مبانی آن باشند و هم دیگران را به آن هدایت و تشویق نمایند. از این منظر مهم‌ترین توصیه این متن یعنی دعوت به امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده شأن تازه‌ای برای مدیران خواهد داشت. آن‌ها باید به خوبی ریشه‌های این توصیه را دریافت کنند تا هم خود عامل باشند و هم هادی دیگران. این پژوهش تلاشی برای توجه دادن به مبانی این مدیریت امیدمحور بر اساس سنت‌های خدا در قرآن است.



جنبه نوآوری تحقیق

درباره بیانیه گام دوم انقلاب کارهای گوناگون ارزشمندی صورت گرفته است. برخی پژوهش‌ها به شرح تک تک عبارات‌های آن پرداخته‌اند. برخی مقالات به تعدادی از پشتوانه نظری آن توجه داشته است، اما توجه به محوری‌ترین توصیه بیانیه گام دوم و تبیین مبانی آن از منظر مدیریت برای مدیران رده‌های مختلف افق ناگشوده‌ای است که این تحقیق سعی دارد بر اساس سنت‌های خدا در قرآن به آن بپردازد.

روش تحقیق و شیوه گردآوری داده‌ها

تحقیق حاضر درصدد است با روش تحلیلی توصیفی نسبت بین سنت‌ها و کیفیت ایجاد امید به آینده را در مدیران بیابد و این باور مبنایی را در مدیریت تبیین نماید. به این منظور سعی نموده به تعریف سنن الهی و بیان انواع آن بپردازد و نسبت آن را با مفهوم امید از میان آیات مختلفی که به قوانین الهی اشاره دارد تبیین نماید و به تجزیه و تحلیل آن‌ها بپردازد.

بیان خلاصه‌ای از ساختار و چهارچوب مقاله

پیش از هرچیز باید درباره بیانیه گام دوم دانست. در مرحله بعد جایگاه امید در بیانیه گام دوم و اندیشه رهبر معظم انقلاب تبیین شود. بعد از این دو مرحله باید سراغ از ریشه تفکر این رهبر قرآنی در آینه آیات قرآن داشت و قوانین حاکم بر عالم که خدا در قرآن از آن به سنت‌ها یاد می‌کند شناخت. آن وقت است که بهتر می‌توان نسبت سنت‌های خدا را با امید درک نمود. با این تمهیدات می‌توان از مدیریت امیدمحور و مبانی آن بر اساس سنت‌های خدا در قرآن سخن گفت. آنچه که این تحقیق به امید خدا در سیر خود به آن خواهد رسید.



پیشینه

در بررسی‌های انجام‌شده با کلیدواژه «بیانیه گام دوم» به پژوهش‌های مختلفی می‌توان رسید که هریک از منظری و رویکردی به بیانیه گام دوم پرداخته‌اند. (بیش از ۱۸۵ مقاله) و چند کتاب مانند:

گام تمدن‌ساز (بسط بیانیه گام دوم انقلاب با تکیه بر اسناد بین‌المللی)، راجی، سید محمدحسین و دیگران، قم، نشر معارف، ۱۳۹۸. کتاب کار بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مشرقی، محسن، عقیقی، فاطمه، تهران، موسسه علمی آینده‌سازان، ۱۳۹۸. اما با محدودسازی جستجو با کلیدواژه «امید» به مقاله‌ای در نشریه پژوهش و مطالعات اسلامی (شهریور ۱۴۰۰، سال سوم، شماره ۲۶، صص ۵۵-۶۷) با عنوان «مصادیق قرآنی اقدامات کفار و منافقین در مایوس سازی مؤمنین با رویکرد به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» (تابش و دیگران، ۱۴۰۰) می‌توان رسید.

در مورد رویکرد مدیریتی به بیانیه گام دوم هم به مقاله‌ای در نشریه حکومت اسلامی (بهار ۱۳۹۹، شماره ۹۵، صص ۱۱۳-۱۳۴) با عنوان «اصول و مؤلفه‌های نظام سازی اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب» (موسی زاده، ۱۳۹۹) می‌توان اشاره کرد. درباره مفهوم «سنن الهی» نیز مقالاتی یافت شد (حدوداً ۱۰ مقاله) که بیشتر به بحث قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر (سعادت و شقاوت جامعه، فتنه و ایمان، استدراج، قرآن و کتاب مبین) در نشریه پاسدار اسلام (محمدی گیلانی، ۱۳۶۳-۱۳۶۶) پرداخته است. حدوداً ۱۰ کتاب هم در مورد سنن الهی در قرآن کار شده است که در مقاله مورد استفاده قرار گرفته و در بخش منابع معرفی شده‌اند. در مورد نسبت مبانی مدیریت و بحث امید آن هم با رویکرد قرآنی و بر اساس سنت‌های خدا مقاله‌ای یافت نشد.



مفهوم شناسی

الف) مدیریت

برای مدیریت تعاریف مختلفی مطرح شده است. به عقیده برخی مدیریت، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها (شامل برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، سازماندهی، رهبری و کنترل) بر روی منابع سازمان (انسانی، مالی، فیزیکی و اطلاعات) با هدف دستیابی به اهداف سازمان به شیوه کارا و اثربخش است. (پیروز و دیگران، ۱۳۸۴: ۳) برخی مدیریت را، فرآیند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل دانسته‌اند که برای رسیدن به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می‌گیرد. (رضاییان، ۱۳۸۳: ۷) عده‌ای مدیریت را کار کردن با افراد به وسیله افراد و گروه‌ها برای تحقق هدف‌های سازمانی مطرح کرده‌اند. (هرسی و بلانچارد، ۱۳۸۴: ۱۳) بعضی هم مدیریت را فرایند تحقق اهداف سازمانی به وسیله انجام دادن چهار وظیفه برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل تعریف کرده‌اند. (توکلی، ۱۳۸۳: ۱۶) بر این اساس می‌توان گفت مدیریت عبارت است از دانش و هنر به‌کارگیری منابع سازمانی (انسانی، مالی، فیزیکی و اطلاعاتی) برای دستیابی به اهداف سازمانی به شیوه مطلوب.

ب) سنت‌های خدا

قرآن از یک سو به شناخت کتاب پر اسرار طبیعت و قوانین حاکم بر جهان خلقت فرا می‌خواند (عنکبوت: ۱۹-۲۰، زمر: ۲۱، نور: ۴۳-۴۷، بقره: ۱۶۴) و از دگر سو به انسان اصرار می‌ورزد تا حوادث تاریخی، اتفاقات و رخدادها، تحولات و دگرگونی‌ها، اوج‌ها و حضیض‌ها، فرازاها و نشیب‌ها، را به دقت مطالعه کند تا به همراه عبرت‌آموزی، برای خودسازی و ساختن دیگران، علل پیشرفت و انحطاط ملت‌ها و رشد و شکوفایی یا پسرفت و فروپاشی



امت‌ها را کشف کند و با کشف دلایل و عوامل ظهور و افول سلسله‌ها و چگونگی تکوین و فروپاشی قدرت‌ها، و کنکاش در راز و رمز حیات و مرگ تمدن‌ها و بروز جنبش‌ها و دگرگونی‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، قوانین حاکم بر تاریخ و سنن الهی را در سیر جامعه‌ها ببیند. (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳: ۷۸) به مجموعه این قوانین الهی سنت گفته می‌شود که به معنای طریقت و روشی است که باید در مجتمع سیر شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱/۴) به عنوان نمونه روش‌هایی است از خدا در امم پیشین که چون پیامبر خود را تکذیب می‌کردند خداوند آن‌ها را بیچاره و نابود می‌ساخت و آثار آنان را باقی نگه می‌داشت تا موجب عبرت و پند دیگران شود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۴۱/۲)

ج) بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

انقلاب بزرگ اسلامی ایران چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و وارد دهه پنجم خود شد و اگرچه دشمنان استکباری تصورات و توهّمات نادرستی در سر داشتند، اما دوستانش در سرتاسر گیتی، امیدوارانه آن را در گذر از تهدیدها و چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همیشه سربلند دیده‌اند. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در این نقطه عطف، «منشور گام دوم انقلاب» را صادر کردند و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه پیشین پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه نموده‌اند. بیانیه «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان است که به‌مثابه سندی راهبردی و منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به



آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) هست» نزدیک خواهد کرد.

۱. بیانیه گام دوم انقلاب و امید

۱-۱ امید در بیانیه گام دوم انقلاب

بر اساس متن بیانیه گام دوم انقلاب امید، کلید اساسی همه قفل‌ها است و بدون آن نمی‌توان گامی برداشت: «اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارت‌اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی. اما پیش از همه‌چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت.» (بیانیه گام دوم انقلاب) البته این امید می‌تواند امیدی صادق باشد یا کاذب: «آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومی‌دی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی



باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آن‌ها اشاره شد- در برابر چشم شما است. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، به‌مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.» (بیانیه گام دوم انقلاب)

۲-۱ امید در اندیشه رهبر معظم انقلاب

امید بیت‌الغزل همیشگی بیانات رهبر معظم انقلاب بوده است تا آنجا که امید را بزرگ‌ترین قوه محرکه معرفی نموده‌اند: «عزیزان من! امید بزرگ‌ترین قوه محرکه انسان است. امید به پیروزی، امید به پیشرفت و امید به موفقیت، هر انسانی را به حرکت وادار می‌کند. اگر شما بخواهید هر انسان فعال و سرزنده و شادابی از حرکت بیفتد، کافی است او را ناامید کنید، اگر ناامید کردید، دست‌های فعال او سست خواهد شد؛ زانوان فعال و استوار به لرزه خواهد افتاد...» (مشرقی، ۱۳۹۸: ۱۲۳)

در جابه‌جای صحبت‌های ایشان می‌توان ردپای این مضمون حرکت‌آفرین و حیاتی را دید: «...خدای متعال بر ما منت گذاشت و کسی مثل امام را بر ما گماشت و ایشان با وجود و حرکت خود، آن احساس را که احساس امید به آینده است، در ما تقویت کرد. من خدا را شاکرم که حتی برای یک لحظه هم، امید خود را در همین عرصه پر دغدغه از دست نداده‌ام. اگر تلاشی می‌کنم، حرفی بر زبان می‌آورم و دست به اقدامی می‌زنم، همه ناشی از آن امید است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۸) «...البته باید به خدای متعال توکل کرد و به آینده



خوش‌بین بود؛ که من حقیقتاً به آینده خوش‌بینم و خیلی از افق‌ها را خوب و روشن می‌بینم.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۲)

۲. سنت‌های خدا در قرآن و امیدآفرینی

از منظر قرآن و دیدگاه اسلام، تحولات اجتماعی به خصوص به اعتبار نگاه تاریخی، همگی قانونمند، قابل کشف و شناسایی، تعریف شده، دارای روند و بر اساس ضوابط و قواعد مشخصی شکل می‌گیرند و هرچند ممکن است چنین تغییر و تحولات و حوادثی در ظاهر، تک پاره، گسسته یا غیر مرتبط با یکدیگر به نظر برسند اما در واقع ارتباط و نظامی عمیق، وثیق، منطقی و حکیمانه بین حوادث و تحولات وجود دارد، به گونه‌ای که هیچ خدش‌های بر آن وارد نمی‌شود. کشف یک چنین نظام‌مندی و قاعده‌مندی از طریق چند کلیدواژه در قرآن به دست می‌آید که مهم‌ترین آن‌ها «سنت» است. (علی‌اکبری، ۱۳۹۸: ۳۶)

در بیانیه گام دوم دعوت به امیدهای صادق است. یکی از منابعی که می‌تواند روح امید را در انسان و خصوصاً مدیران زنده نماید توجه به این آموزه‌های وحیانی است. قرآن سرشار از چنین مطالبی است که توجه به آن امیدبخش است. سنت‌های الهی یا همان قوانین نظام‌مند عالم خلقت از جمله این آموزه‌هاست. رهبر معظم انقلاب، بدون توجه به شخصیت سیاسی ایشان، دارای قدرت تحلیلی بسیار ویژه‌ای هستند که آشنایی ایشان با قرآن کریم و تاریخ اسلام موجب شده است قدرت تحلیل معظم له بیشتر نمایان شود و همچنین از دیگران متمایز شوند، زیرا طلاب فراوانی هستند که به مقامات بالای اجتهاد رسیده‌اند اما به صورت کامل به قرآن نپرداخته‌اند.



۱-۱ سنت‌های خدا: اصرار بر شناخت قانونمندی تاریخ

قرآن بر این اندیشه ترغیب می‌کند که رهروان راهش، دوران‌ها و روزگاران گذشته را به جهان معاصر، و دنیای معاصر را با تاریخ گذشته و عصر پیشین پیوند دهند و پیوند نسل امروز را با نسل‌های گذشته برای دریافت واقعیت‌ها و درک حقایق ضروری و حیاتی بدانند، چراکه از ارتباط و گره خوردن دنیای گذشته و معاصر است که رسالت ما در ساختن تاریخ فردا و نیز مسئولیت نسل‌های آینده روشن می‌شود. (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳: ۷۹) بر این اساس سنت‌های خدا دعوت بر مطالعه، فهم و شناخت ضابطه‌مند و قانون‌مدار تاریخ و حوادث آن است.

۲-۱ اهمیت کشف سنت‌های تاریخ در قرآن

قرآن با این فکر که حوادث خود صورت می‌گیرد به شدت مقابله می‌کند و به کشف قواعد این عالم دعوت می‌نماید. «انسان‌های معمولی حوادث تاریخی را توده‌ای از اتفاقات نامربوط می‌دانند که بر حسب تصادف یا بر اساس قضا و قدر یا بر مبنای قدرت خدا و لزوم تسلیم در برابر امر او شکل گرفته و تفسیر و توجیه می‌گردد. قرآن با این فکر به شدت مقاومت کرده، هیچ حادثه‌ای را بی‌جهت یا از روی اعمال قدرت، لزوم تسلیم در برابر آن توجیه نمی‌کند، بلکه برعکس عقل بشر را هشدار می‌دهد که در این زمینه، سنن و قوانینی حاکم است و برای اینکه انسان بتواند در سرنوشت خود حاکم شود لازم است این سنت‌ها و قوانین را بشناسند و برای اینکه بتواند در این قوانین نفوذ کند باید شناخت نسبت به آن‌ها داشته باشند، در غیر این صورت هرچند شما چشم‌پسته باشید آن قوانین در شما حکومت خواهد کرد. شما چشمتان را باز کنید این قوانین و سنت‌ها را ببینید تا شما در این حاکم گردید نه اینکه آن‌ها در شما اثر بگذارند.» (صدر، ۱۳۸۰: ۷۹)



۳-۱ سیر علمی و اندیشمندانه در زمین و زمان

قرآن بارها به صورت جدی به سیر و سیاحت در زمین و زمان دعوت می‌کند هم سیر محققانه برای شناخت قوانین طبیعی، هم برای شناخت سنن حاکم بر جامعه و تاریخ و عبرت آموختن از آن و فراگرفتن تجربیات پیشین. (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳، ۷۹) لازمه این دعوت، ثابت بودن قوانین حاکم بر جامعه است. قرآن در آیات متعددی روی مسئله ثبات و پایداری این قوانین الهی دست گذاشته است. این قوانین ثابت و تغییرناپذیر عالم تکوین و تشریع که قرآن از آن‌ها به سنت‌های الهی تعبیر کرده هرگز دگرگونی در آن‌ها راه ندارد، این قوانین همان‌گونه که بر گذشته حاکم بوده بر امروز و فردا نیز حاکم است، مجازات مستکبران بی‌ایمان هنگامی که اندرزهای الهی سود نبخشد، همچنین یاری رهروان راه حق به هنگامی که دست از تلاش مخلصانه برندارند از این سنت‌ها است و هر دو در گذشته و امروز تغییرناپذیر بوده و هست. سنت‌های الهی نه به کلی عوض می‌گردد، و نه حتی کم و زیاد و ضعیف و شدید می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸، ۲۹۷)

۴-۱ قانونمندی حرکت جامعه و تاریخ

از دیدگاه اسلام حرکت تاریخ، حرکتی است خردمندانه و بر اساس ضوابط و قوانین و بر روند جامعه‌ها، مقررات و سنت‌هایی حکومت می‌کند که جاودانه، تخلف‌ناپذیر و جهان‌شمول هستند. این قانون‌مداری تاریخ و نظام حاکم بر مسیر جامعه‌ها، در کران تا کران قرآن و بیانات پیشوایان نور، با واژه‌های مختلف، قالب‌ها و چارچوب‌های خاص و جمله‌های ویژه وارد شده و نشانگر این حقیقت حیاتی است که هرگز ترقی و تکامل یا انحطاط و سقوط ملت‌ها و امت‌ها بی‌دلیل نیست و هرگز بر تاریخ بشر تصادف و اتفاق فرمان نمی‌راند و شانس و اقبال آن را نمی‌سازد بلکه جامعه نیز همچون فرد برای خود



مقررات و سنن و ضوابط ویژه خود را دارد و این ضوابط و قانونمندی حاکم بر سیر جامعه و تاریخ همان سنت‌های جهان‌شمول و خلل‌ناپذیر است. آیاتی که بیان‌کننده این حقیقت بزرگ هستند در چند دسته قابل تقسیم است:

۱- آیاتی که در قالب واژه خاص سنت و سنن، این قانونمندی را به طور گویا و صریح بیان می‌کند که این روش خداوند و عادت دیرین او است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹، ۱۸۷، طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷، ۲۸۸)

«قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران/۱۳۷)
قبل از شما سنت‌هایی وجود داشته است. (و هر امتی بر حسب اعمال و خصوصیاتش عاقبتی داشت که از آن شما نیز هست) پس در زمین سیر کنید و ببینید عاقبت و پایان کسانی که (آیات الهی) را تکذیب کردند چه بود؟! «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (فتح/۲۳) این یک سنت الهی است که قبلاً وجود داشته است. هیچ تغییری در سنت الهی نخواهی یافت.

«وَأَفْسَسُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لِيَنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لِيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنَ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا * اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر/۴۲-۴۳) به خدا سوگند خوردند که اگر پیامبر هشداردهنده‌ای به سراغشان آید، هدایت یافته‌ترین امت‌ها خواهند بود. هنگامی که پیامبری نزد آنان آمد به جز فرار و دوری از او کاری نکردند. و همه اینها به خاطر تکبرشان در زمین و نیرنگ‌های بدشان است. اما این ترفندها فقط دامن صاحبانشان را می‌گیرد. آیا غیر از سنت پیشینیان و عذاب دردناکی انتظار دارند؟! هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی.



«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكُنُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا» (فاطر/۴۴) آیا به زمین سیر و نگاه نکردند تا ببینند عاقبت پیشینیان چه بوده است؟! کسانی که از اینها قویتر (و قدرتمندتر) بودند؛ هیچ چیز در آسمان و زمین از قدرت او فرار نمی‌کند. او دانا و توانا است.

۲- آیاتی که موضوع قانونمند بودن سیر جامعه تاریخ را به شکل سر بسته و کلی که «برای روند تاریخ و حرکت جامعه ضوابط و قوانین و نظام ویژه وجود دارد» موضوع را طرح می‌کند، (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳، ۳۲۳، فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۰، ۱۰۶):

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف/۳۴) برای هر قوم و جمعیتی، زمان و سرآمد (معینی) است؛ و هنگامی که سرآمد آن‌ها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند، و نه بر آن پیشی می‌گیرند.

«وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ* مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ» (الحجر/۴-۵) ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه اجل معین (و زمان تغییرناپذیری) داشتند، هیچ گروهی از اجل خود پیشی نمی‌گیرد؛ و از آن عقب نخواهد افتاد.

«وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا» (الإسراء/۵۸) هیچ شهر و روستایی نیست که قبل از قیامت ویران نکنیم. یا (اگر مجرم باشند) آن‌ها را به عذاب سخت مجازات خواهیم کرد. این در کتاب خدا [= لوح محفوظ] ثبت شده است.

۳- آیاتی که در چهره قضیه شرطیه آمده‌اند که طرف دیگری از سنت‌های جاری خدا را بیان می‌کند (قطب، ۱۴۲۵: ۳، ۱۳۳۸):

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (الأعراف/۹۶) اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و از خدا پروا



می کردند، برکات آسمان و زمین را به آن‌ها عطا می کردیم. اما آن‌ها حق و حقیقت را انکار کردند، ما هم آن‌ها را به خاطر کاری که انجام می دادند مجازات کردیم.

«وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ» (هود/۳) و این که: از پروردگارت آمرزش بخواه، سپس به سویش بازگرد، تا بهره‌مندی (از نعمت زندگی زمینی) برای مدت معینی و به هر انسان صاحب فضیلتی به مقدار فضلش عطا کند، و اگر روی گردانی، از عذاب روز بزرگ بر تو می‌ترسم.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد/۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، او شما را حمایت می‌کند و قدم‌های شما را ثابت می‌کند.

«وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (الجن/۱۶) و اینکه اگر آن‌ها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم.

«عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُذْتُمْ عُنَدَنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا» (الاسراء/۸) امیدوارم پروردگارت به تو رحم کند! هرگاه برگردید ما هم برمی‌گردیم. و جهنم را برای کافران زندانی سخت قرار دادیم.

این آیات نشانگر این واقعیت است که اگر جامعه و تمدنی به دست خود، خواسته یا ناخواسته و آگاهانه یا از روی ناآگاهی، شرط یا مقدمه هر کدام از این قضایای شرطیه را فراهم ساخت، وقوع جزا و نتیجه، قطعی و تخلف‌ناپذیر است. گویا خداوند می‌فرماید: اگر اهل آن شهرها و شهرها که به جای کفر کافر شدند و هلاک شدند، ایمان می‌آوردند و از شرک دوری می‌کردند و مرتکب گناه می‌شدند، ما جزء آسمان و زمین بودیم. با باریدن باران و رشد محصولات، درهای بسیاری از چیزهای خوب را به روی آن‌ها باز کردیم.



یعنی از هر طرف خیر و خوبی برایشان می‌آوردیم. پس [آیات ما و پیامبران ما] را تکذیب کردند و ما آن‌ها را به خاطر اعمالشان عذاب کردیم. (طبرسی، ۱: ۱۴۱۲، ۴۵۴)

۴- آیاتی که گزیده‌ای آموزنده و آموزنده از تاریخ انبیا و تاریخ جوامع پیشین را بیان می‌کند و پس از بیان اعمال ظالمانه حکومت‌های ظالم و گروه‌های سرکش و حق‌ستیز، گویای این واقعیت است که جریان سنت‌ها و فرود عذاب یا کیفر طبیعی عملکرد آن‌ها، نتیجه ظلم و ستم آن‌هاست. بیان اقوامی مثل قوم نوح و عاد و ثمود و قوم لوط و قوم شعیب و فرعونیان و اصحاب فیل و بسیاری دیگر که در طغیان و تکبر و تجبر زندگانی و سعی داشتند و در فراوانی نعمت بودند و به کلی از آن‌ها گرفته شد و به فاصله کمی از بین رفتند و نابود شدند چنانچه در بسیاری از آیات برای تنبیه و بیداری این موضوع را گوشزد کرده است. (ابن عاشور، ۱: ۱۴۲۰، ۲۰؛ ۸۲؛ طیب، ۱: ۱۴۱۲، ۱۰، ۲۵۷)

«وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرْتُ مَعِيشَتَهَا فَبَلَكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تَسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ* وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ» (القصص/ ۵۸-۵۹) چه بسیار شهرها و روستاهایی را که مستکبر و سرمست از نعمت فراوان بودند، ویران کردیم (که ویران شد) و بعد از آن‌ها کسی جز اندکی ساکن در آن‌ها نبود. ما وارثان آن‌ها بودیم و پروردگارت شهرها و شهرها را ویران نمی‌کرد تا اینکه در میان آن‌ها رسولی فرستاد تا آیات ما را بر آن‌ها بخواند. ما آبادی‌ها و شهرها را ویران نکردیم مگر اینکه مردم آن ظلم کنند.

«وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ* فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسَاسِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ* لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ* قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ* فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ» (الأنبياء/ ۱۱-۱۵) چه بسیار روستاهای ظلم پیشه‌ای را در هم شکستیم و نابود کردیم؛ و بعد از آن‌ها افراد دیگری را آوردیم. چون



عذاب ما را احساس کردند، ناگهان شروع به فرار کردند (گفتم: فرار نکنید). و به زندگی پربرکت، و به خانه‌های مجلل خود بازگرد، شاید (پرسش‌کنندگان بیایند و) از شما تقاضا کنند (شما هم آنان را محروم بازگردانید) بگویند: «وای بر ما! ما ستمکار بودیم»، آن‌ها این را تکرار می‌کردند تا اینکه ما آن‌ها را درو نموده و ساکتشان کردیم.

«ثُمَّ نُنْعِيهِمُ الْآخِرِينَ* كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ» (المسلات/۱۷-۱۸) سپس دیگر (مجرمان) را به دنبال آن‌ها می‌فرستیم. (آری) این گونه با مجرمان رفتار می‌کنیم.

«لَقَدْ كَانَ لِسِ بَآءٍ فِي مَسْكَانِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ غَفُورٌ* فَأَعْرِضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ يَشَوِي مِنَ سِدْرٍ قَلِيلٍ* ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ* فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَرَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (سبأ/۱۵-۱۹) و برای قوم سبا در منزلشان نشانه‌ای بود: دو باغ بزرگ در سمت راست و چپ (نهری بزرگ با میوه‌های بسیار) و به آن‌ها گفتم: از آنچه پروردگارتان روزی داده بخورید و شکر کنید. شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)، اما آن‌ها (از خدا) روی‌گردان شدند، و ما سیل ویرانگر را بر آن‌ها فرستادیم، و دو باغ (پربرکت)شان را به دو باغ (بی‌ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره‌گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم. این کیفر را به خاطر کفرانشان به آن‌ها دادیم؛ و آیا جز کفران‌کننده را کیفر می‌دهیم؟! و میان آن‌ها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادی‌های آشکاری قرار دادیم؛ و سفر در میان آن‌ها را به طور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرر داشتیم؛ (و به آنان گفتم: شب‌ها و روزها در این روستاها با امنیت کامل سفر کنید. ولی (این مردم ناسپاس) گفتند: «پروردگارا! بین سفرهای ما دوری بینداز» (تا فقیران با ثروتمندان نتوانند همسفر باشند و این‌گونه) آن‌ها به خود ظلم کردند و



ما آنان را داستان‌هایی (برای عبرت دیگران) قرار دادیم و جمعیشان را متلاشی ساختیم؛ در این ماجرا، نشانه‌های عبرتی برای هر صابر شکرگزار است.

۵- آیاتی که به جهانگردی و سیاحت هدفدار و مطالعه تاریخ و اقوام و ملل گذشته تشویق و تحریک می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۴، ۱۷۶) برای همین به آثار امت‌های گذشته و داستان‌های ایشان ارجاع می‌دهد و به نظر نمودن و عبرت گرفتن از آن دعوت می‌کند و اینکه بدانند که قوت اقویا و استکبار مستکبران روزگار و مکر مکاران، خدا را عاجز نمی‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷، ۳۲۶)

«أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا» (محمد/۱۰) آیا در زمین گردش نمی‌کنند تا ببینند عاقبت پیشینیان چه بوده است؟! خدا آن‌ها را نابود کرد. کفار هم چنین مجازات‌هایی دارند.

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» (غافر/۲۱) مگر روی زمین راه نرفته‌اند تا ببینند عاقبت پیشینیان چه بوده است؟! آن‌ها در قدرت و خلق آثار مهم روی زمین از این‌ها برتر بودند. اما خداوند آن‌ها را به خاطر گناهانشان محاکمه کرد و در برابر عذاب او هیچ دفاعی نداشتند.

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (الروم/۹) آیا روی زمین راه نرفتند تا ببینند عاقبت پیشینیان چگونه بوده است؟! آنان از اینان نیرومندتر و سرسخت‌تر بودند، پس بیش از اینان زمین را (برای زراعت و آبادانی) دگرگون و آباد کردند و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (پس دروغ گفتند و به عذابشان رسیدند). خداوند هرگز به آن‌ها ستم نکرد، بلکه آن‌ها به خودشان ستم کردند.



«وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ» (ق/۳۶-۳۷) چه بسیار ملت‌هایی را که از آن‌ها قویتر بودند و شهرها (و ممالک) را فتح کردند، پیش از آن‌ها نابود کردیم. آیا راهی برای فرار (از عذاب خدا) وجود دارد؟ این هشدار است برای کسانی که عقل دارند، یا در حالی که حضور دارند می‌شنوند.

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ * حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنَبِّئْهُمْ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يَرُدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ * لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (يوسف/۱۱۱) ما پیش از تو جز مردانی از اهالی شهر نفرستادیم که به آن‌ها وحی شده است. آیا (مخالفان و دشمنان دعوت تو) روی زمین راه نرفته‌اند تا ببینند پیش از آنان چه شد؟! و آخرت برای پرهیزگاران بهتر است، آیا فکر نمی‌کنید؟! (پیامبران به دعوت خود، و دشمنان آن‌ها به مخالفت و عنادشان همچنان ادامه دادند) تا آنگاه که رسولان دچار یأس شدند، و (مردم) گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است؛ در این هنگام، یاری و امداد ما به سراغشان آمد؛ آنان را که خواستیم نجات یافتند؛ و مجازات و عذاب ما از قوم گنهکار بازگردانده نمی‌شود. تاریخ آن‌ها درس عبرت اندیشمندان است. این‌ها داستان‌های دروغین نبود. بلکه (وحی آسمانی است و) با آنچه قبل از خود (از کتب گذشته) است هماهنگ است؛ او همه چیز را (که اساس سعادت انسان است) توصیف کرد، برای امت و گروهی که ایمان آورده‌اند، هدایت و رحمت است.

۶- آیاتی که عاقبت سعادت‌مندان رستگاری و پیروزی بر جباران و انحصارطلبان و خودکامگان را به عنوان یک اصل تعیین‌کننده بیان می‌کند که ما پیامبران را، با چیرگی بر



مخالفشان در دنیا و آخرت پیروزی می‌دهد هرچند گاهی مخالفان پیروز می‌شوند ولی سرانجام پیروزی با پیامبران است. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴، ۱۶، مغنیه، ۱۴۲۴: ۶، ۴۵۹)

«إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر/۵۱) همانا ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند به زندگی دنیا و روزی که گواهان برمی‌خیزند یاری خواهیم کرد.

«كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَيْنَ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِي عَزِيزٌ» (المجادلة/۲۱) خداوند پیروزی را برای من و فرستادگانم مقدر کرده است. زیرا خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

«وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (الصفات/۱۷۱-۱۷۳) قول قطعی ما به بندگان فرستاده ما قبلاً روشن شده است... که به آن‌ها کمک خواهد شد و ارتش ما پیروز خواهد بود.

۷- آیاتی که در قالب‌ها و صورتهای مختلف از جمله بعضی مثال‌های روشننگر به ترسیم واقعیت سنن پرداختند: (قطب، ۱۴۲۵: ۴، ۲۰۵۴) و وصف حال دو طریق و دو فریق حق و باطل را بیان می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱، ۳۳۴)

«أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» (الرعد/۱۷) خدا از آسمان آبی فرستاد؛ و از هر رودخانه و دره‌ای به اندازه آن‌ها سیلابی روان شد؛ سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد؛ و از آنچه (در کوره‌ها،) برای به دست آوردن زیورآلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن می‌افروزند هم کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید -خدا حق و باطل را این‌گونه مثال می‌زند- اما کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می‌ماند؛ خدا چنین مثال می‌زند.



۳. مدیریت امیدمحور بر اساس سنت‌های خدا با تأکید بر بیانیه گام دوم

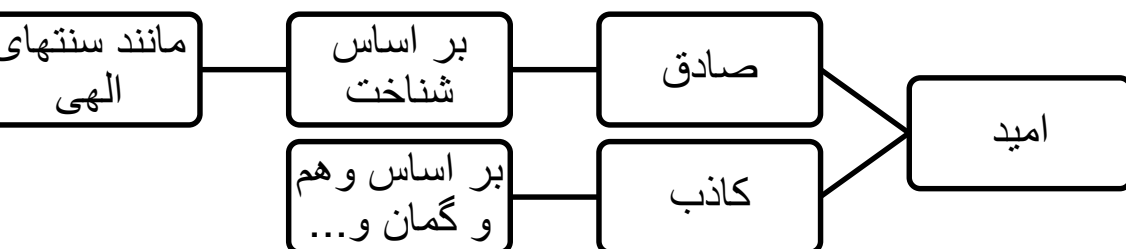
بر اساس توجه به سنت‌های خدای متعال در قرآن می‌توان به رهیافتی از مدیریت امیدمحور دست یافت. منظری که بیانیه گام دوم ما را به توجه و عنایت به آن دعوت و هدایت می‌کند. کسی که نسبت‌های عالم را به‌خوبی بشناسد، به این حقیقت که پیوند کار مدیریتی از آغاز تا پایان و در طی اجرای آن با معنویت و تدبیر از اصلی‌ترین شاخصه‌های کار مدیریتی متعهد و موفق است، پی خواهد برد. التزام مدیران به ارزش‌های اسلامی و تقویت و ارتقای سطح معنوی در خود و مجموعه‌های خویش از عواملی است که در نتیجه‌بخش بودن فعالیت‌های فرهنگی بسیار اثرگذار است. به همین جهت، ضروری است مدیران این نکات را مدنظر داشته باشند و هم در خود و هم در مجموعه‌ها و اعضا نهادینه کنند. این امر مستلزم آن است که نسبت معنویت، انس با خدا و خصوصاً قرآن با مباحث دانش مدیریت را بفهمند تا بتوانند در کسب آن تلاش نمایند. کوتاه‌سخن آنکه یک مدیر لازم است نسبت‌ها را بشناسد و از آن مهم‌تر به فهم نسبت‌ها و کشف روابط بین آن‌ها اهتمام ورزد. اگر مدیران بتوانند نسبت‌ها و معادلات عالم را بشناسند، کارهای خود را از حالت تکاثری و حجمی خارج می‌کنند و به‌سوی کارهایی کوثری و فزاینده می‌روند. فهم نسبت‌ها آثار سلبی و ایجابی دارد. اثر سلبی آن سبب کاهش فرسایش و رفع موانع در کارهای فرهنگی می‌شود. اثر مثبت و ایجابی فهم نسبت‌ها باعث هم‌افزایی در مجموعه‌ها می‌شود. (علوی، ۱۳۹۸: ۵۱)

چگونه می‌توان بر اساس سنت‌های خدا در قرآن به این رویکرد مدیریتی دست پیدا کرد؟ مبانی آن کدام است؟ این منظر در متن بیانیه گام دوم نیاز به توجه و تحقیق دارد و کمتر به این مطلب پرداخته شده است.



۱-۱ نقش سنت‌ها در ایجاد امید

امید می‌تواند برخاسته از شناخت باشد یا توهم. امیدی قابل اعتنا است و می‌تواند حرکت مستمر و عمیقی ایجاد کند که مبتنی بر شناخت باشد. سنت‌ها را به عنوان یک منبع ارزشمند شناخت باید دانست؛ منبعی که به مدیر توان‌مانور بیشتری در اقداماتش خواهد داد. شناخت سنت‌ها به عنوان قانون‌های خدا در جهان می‌تواند درک دقیقی از عالم را به انسان بدهد. اگر مدیری بر اساس شناخت درست از قوانین خدا حرکت کرد حرکتی ماندگار و با ثبات خواهد داشت و درگیر نگرانی‌های بی‌مورد نخواهد شد؛ چراکه با فهم درست قواعد جهان می‌تواند تصمیم‌های درستی را بگیرد و همین شناخت او را به یک پختگی در تدابیر خواهد رساند.





شکل ۱: سنت‌های الهی به عنوان منبعی برای شناخت و زمینه‌ای برای ایجاد امید

صادق

۱-۲ مبانی مدیریت امیدمحور بر اساس سنت‌های خدا در قرآن

شناخت سنت‌های گوناگون الهی (مطلق و مقید) و توجه به شروط هرکدام به مدیر توان شناخت و همچنین توان تصمیم مقتضی را خواهد داد. برای همین ضروری است سنن الهی در قرآن را به همراه نمونه‌هایی از آن مورد بررسی قرار داد تا بتوان بر اساس آن شناخت به نگرشی توحیدی نسبت به عالم دست یافت. سنت‌هایی که برخی مطلق‌اند و برخی مقید:

۱-۳ تقسیم‌بندی سنن از منظر مطلق و مقید و ذکر نمونه‌هایی از آن

۳-۳-۱- سنن مطلق

سنن مطلق آن دسته که متوقف بر چیزی نیستند، بدون استثنا شامل همه می‌شوند، برای همیشه هستند و محکوم نمی‌گردند. سنت‌های مطلق نقش عوامل هدایت را در زندگی انسان مختار دارند، مانند سنت آفرینش به وجه احسن (سجده/۷)، سنت هدایت تکوینی (طه/۵۰)، سنت قضا و قدر (توبه/۵۱)، سرعت تبشیر و انداز (فاطر/۲۴)، سنت سنخیت میان مرسل و مرسله علیه (اسراء/۹۵)، سنت نفی حرج (مائده/۶)، سنت نفی ظلم از طرف خداوند (آل عمران/۱۰۸)، سنت عمل و عکس‌العمل (انعام/۱۶۴)، سنت دفاع از حق و سرکوبی باطل (انبیاء/۱۶۴)، سنت استعدادها (اعراف/۵۸)، سنت حفظ کتاب آسمانی قرآن (حجر/۹)، سنت مرگ و اجل و عدم تأخیر و تقدیم آن (یونس/۴۹)، سنت اختلاف در درجات (اسراء/۲۱)، سنت آزمایش و امتحان (عنکبوت/۳-۲)



۳-۳-۲- سنن مقید

سنن مقید برخلاف سنن مطلق، تحقق آن‌ها بر مقدماتی متوقف است که فراهم ساختن مقدمات در اختیار انسان می‌باشد. این سنن گاه حاکم هستند و گاه محکوم. سنن مقید را با ایمان و عدم آن، به دو دسته سنن مربوط به مؤمنین و سنن مربوط به گمراهان و کافران می‌توان تقسیم نمود. (قانع، ۱۳۷۹: ۱۰۵)

۳-۳-۳- سنن مربوط به مؤمنین

اجزای آن‌ها بر ایمان مترتب می‌شود که ایمان شامل صبر، تقوا، اصلاح طلبی، نیکوکاری و... می‌باشد. مانند خدا کسانی را که دارای زمینه هدایت باشند هدایت می‌کند (انفال/۲۲-۲۳، محمد/۱۷)، خدا سرپرست مؤمنان و صلحان و خدا ترسان است (اعراف/۱۹۶، آل عمران/ ۶۸) شیطان بر بندگان خالص خدا سلطه‌ای ندارد (حجر/۴۲)، خدا بندگان مخلص‌اش را از سو و فحشا دور می‌دارد (یوسف/۲۴)، خدا بردباران را دوست دارد (انفال/ ۴۶)، بر دشمنان غلبه می‌دهد (حج/۳۸)، کفار را بر مؤمنین سبیلی نیست (نساء/۱۴۱)، سلطه خداپرستان در جهان (قصص/۵) و...

البته شکی نیست که موارد ذکر شده بعضاً در همدیگر تلاقی دارند و خلاصه تمام آن‌ها این است که کسی که ایمان به خدا داشته باشد خدا در دنیا و آخرت ناصر اوست و خدا در صورت وفای به عهد از طرف مردم به عهد خود وفا می‌کند. وفای به عهد خداوند عبارت است از اعطا و توفیق و هدایت و حمایت و دفاع در دنیا و متمرکز ساختن از بهشت و نعمت‌های آن. (قانع، ۱۳۷۹: ۱۰۷)

۳-۳-۴- سنن مربوط به گمراهان و کافران



این سنن برخلاف سنن مؤمنین، در صورت عدم ایمان و تقوا پیش می‌آید. مانند:
 سنت امهال یا استدراج (آل عمران/ ۶۸)، ست عدم هدایت کافران و فاسقان (صف/ ۵، نساء/ ۱۵۵)
 و... (قانع، ۱۳۷۹: ۱۰۸)

۴. نشانه‌ها و ویژگی‌های اطمینان‌آفرین و امیدبخش در سنت‌ها

با نگرش در آیات قرآن می‌توان برای سنت‌های الهی نشانه‌ها و ویژگی‌هایی را
 برشمرد که برای مدیر، تولید مبنایی خواهد کرد که بر اساس آن امیدوارانه حرکت کند
 مانند:

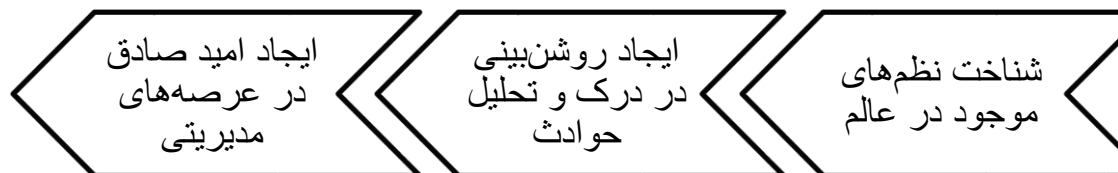
جدول ۱: نشانه‌ها و ویژگی‌ها سنت‌های اجتماعی در قرآن (کریمی فریدنی، ۱۳۸۳: ۱۰۶-
 ۲۱۵، حامد مقدم، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۷)

آیات ناظر	نشانه‌ها و ویژگی‌های سنت‌های اجتماعی
احزاب: ۶۲، جن: ۱۶، مائده: ۶۶، اعراف: ۹۶، هود: ۳، محمد: ۷	عمومیت و جهان‌شمولی سنت‌ها
احزاب: ۶۲، فتح: ۲۱-۲۳، غافر: ۸۲-۸۵، احزاب: ۳۸، احزاب: ۶۰-۶۲	استمرار و دوام سنت‌ها
اعراف: ۳۴، مؤمنون: ۴۳، حج: ۴۵-۴۸، رعد: ۳۲، بقره: ۸۰، بقره: ۲۱۴، محمد: ۱۰، غافر: ۲۱، روم: ۹، ق: ۳۶-۳۷، مریم: ۷۴، غافر: ۸۲-۸۵، محمد: ۱۳، فجر: ۴-۱۵	تخلف‌ناپذیری سنت‌ها
فتح: ۴۳، فاطر: ۴۳، احزاب: ۶۲، انعام: ۳۶، یونس: ۶۲-۶۴، کهف: ۲۷	تبدیل‌ناپذیری سنت‌ها
فاطر: ۴۳، اسراء: ۷۷	تحویل‌ناپذیری سنت‌ها



زمینه اجتماعی سنت‌ها	انعام: ۱۶۴، نجم: ۵۳، نجم: ۳۹، فاطر: ۳۵، فاطر: ۱۹، زلزال: ۷-۸، مریم: ۹۵، جاثیه: ۲۸-۲۹
الهی بودن سنت‌ها	احزاب: ۳۸، احزاب: ۶۹، غافر: ۸۵، فتح: ۲۳، فاطر: ۴۳، اسراء: ۷۶، آل عمران: ۱۳۷، نساء: ۱۴۶، انفال: ۳۸، حج: ۱۳، کهف: ۵۵
این جهانی بودن سنت‌ها	نحل: ۱۱۲، ابراهیم: ۵-۷، طه: ۱۴۴-۱۴۹، نمل: ۴۸-۵۳، انبیاء: ۱۱-۱۵، کهف: ۵۹
سرنوشت مشترک در جریان سنت‌ها	انفال: ۲۵
سررسید و موعد مقرر در سنت‌های اجتماعی	اعراف: ۳۴، فاطر: ۴۵، نحل: ۶۱، طه: ۱۴۴- ۱۴۹، کهف: ۵۸-۵۹، حجر: ۴، اسراء: ۵۸، آل عمران: ۱۴۰

سنت‌های الهی دارای ویژگی‌هایی مانند استمرار، تکرارپذیری، تخلف‌ناپذیری، عام و عمومیت داشتن است. به عبارتی سنت‌ها به عنوان یک رویه و امری جاری، همیشه و در همه جا جواب می‌دهند و جابجا یا کم و زیاد نمی‌شوند و قابل تبدیل و تغییر و تحویل نیستند. سنت‌ها همان روش‌ها، راه‌ها و شیوه‌هایی هستند که خداوند متعال برای اداره جهان و هدایت موجودات و از جمله انسان به سوی کمال و در قالب نظم و نظامی مشخص تعیین فرموده است، به گونه‌ای که حاکم بر زندگی انسان‌ها و موجودات می‌باشند. (علی‌اکبری، ۱۳۹۸: ۴۱) شناخت نظم‌های موجود در عالم و در نتیجه بهره‌مندی از آن قواعد باعث ایجاد روشن‌بینی در درک و تحلیل حوادث خواهد شد و در نتیجه سبب ایجاد امیدهایی صادق در عرصه‌های مدیریتی مدیران خواهد شد.





شکل ۲: فرایند امیدآفرینی سنت‌ها

اثر شناخت سنن الهی بر تصمیم‌های مدیر

توجه به سنت‌های مطلق و مقید خداوند در قرآن و اشراف بر آن‌ها شناخت دقیقی از جریان مؤمنین و کافران خواهد داد، خصوصاً توجه به سنت‌های خاصی که ناظر به جبهه مؤمنین است؛ اینکه اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد خدا در دنیا و آخرت ناصر اوست و خدا در صورت وفای به عهد از طرف مردم به عهد خود وفا می‌کند. سنت استخلاف، سنت هدایت، سنت اضلال، سنت ابتلا و آزمایش، سنت امداد، سنت تغییر و عدم تغییر، سنت امدادهای الهی سنت‌هایی است که یک مدیر الهی به واسطه انس با آموزه‌های قرآن در مواجهه با آن و عنایت به مطلق یا مقید بودن آن و نوع عمل و عکس‌العمل آن به تشخیص و تصمیم مقتضی آن دست می‌زند. به عنوان نمونه توجه به سنت امدادهای الهی یک زمینه برای ایجاد امید به حرکت و خوش‌بینی به عالم است. مدیریت مرسوم با همه محاسبات و معادلاتش باز هم خود را محدود می‌داند، برای همین به‌ناچار قدرت مانور محدودی دارد؛ برخلاف مدیران الهی که به پشتوانه کلام نورانی خدای متعال پشتوانه نامحدودی دارند و به پشت‌گرمی امدادهای ویژه خدا به پیش می‌روند. (علوی، ۱۳۹۸: ۸۷)

اینکه خدا مقرر داشته که او و رسولانش پیروز می‌شوند؛ چراکه خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است یک حقیقت محکم قرآنی است: «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِي عَزِيزٌ» (المجادلة/۲۱) که مطالعه سنت‌های قرآن، این معارف را به یک مدیر خواهد بخشید. در قرآن بیان این قوانین فراوان است:



«وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَانْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُزْلِينَ* بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ* وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (آل عمران/۱۲۳-۱۲۶) خدا شما را در بدر نصرت و یاری داد و شما را بر دشمنان پیروز کرد. در حالی که نسبت به آن‌ها درمانده شده بودید. پس از خدا تقوا پیشه کنید (و در مقابل دشمن از فرمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم سربلندی نکنید) در آن زمانی که به مؤمنان گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان که از آسمان فرود می‌آیند، نصرت نماید؟!»، آری، امروز هم اگر استقامت و تقوا داشته باشید و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خدا شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان که نشانه‌هایی با خود دارند، یاری خواهد کرد، اما خدا آن را فقط برای وعده و بشارت و آرامش خاطر آفرید و گرنه پیروزی از آن خدای توانا و حکیم است. در جهان‌بینی الهی زندگی انسان‌ها با جهان فرشتگان مرتبط است و امدادهای غیبی را در میدان‌های کارزار نباید فراموش کرد. بر این اساس از سویی یکی از وظایف مدیر و رهبر الهی، امیدوار کردن و توجه دادن مردم به امدادهای غیبی است و از سویی دیگر امید به لطف خداوند برای همه اعضا ضروری است. در این جهان‌بینی و شناخت نورانی، تمام مقدمات مادی، علمی، روانی و انسانی، بدون اراده خداوند کاری از پیش نمی‌برند و امدادهای الهی سرنوشت جنگ را معین می‌کند، نه عوامل طبیعی. ملائکه به فرمان خداوند در خدمت مؤمنان قرار می‌گیرند. استقامت و تقوا، دو عامل نزول فرشتگان و امدادهای غیبی است و مهم‌تر از آن، دانستن این مطلب که امدادهای الهی، اختصاص به زمان پیامبر ندارد، مایه دلگرمی بیشتر و اقدام قوی‌تر است. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۵۹۹-۶۰۲) همچنان که پیروزی در بدر بوی معجزه داشت بدون هیچ ابزار مادی آشنا و مألوفی، پیروزی حاصل شد. (قطب،



۱۴۲۵: ۱، ۶۶۹) انسان به عنوان موجودی فقیر و نیازمند، همواره به دنبال پناه و پناهی برای خود است؛ مدد‌ها و عنایات الهی به عنوان عاملی فراتر از اسباب مادی، نور امید و خوش‌بینی را در فرد ایجاد کرده و شوق به ادامه مسیر را در انسان افزایش می‌دهد. از سویی دیگر علم و اطمینان به این امداد از جهت روانشناسی اجتماعی باعث ایجاد شادابی و تلاش بیشتر خواهد شد و نیز باعث ایجاد شجاعت در حرکتهای بزرگ اجتماعی و اعتماد به نفس در هنگام سختی‌ها خواهد شد. (مرادخانی تهرانی، ۱۳۹۴: ۲۹۰)

البته و صدالبته باید یادآور شد نیروهای ذخیره به یاری انسان‌های سست و تنبل نمی‌آیند و با تلاش انسان‌های مؤمن فعال می‌شود (جن:۱۶) برای اینکه همه قوانین عالم با ما همراه بشود، اراده خدای متعال در جهت پیشرفت ما قرار بگیرد، باید خدایی بود و حرکت کرد: «اگر برای خدا بودیم و نیت کردیم و تصمیم گرفتیم و حرکت نمودیم، خدای متعال اراده‌اش را در جهت پیشرفت ما قرار خواهد داد و آن وقت همه قوانین عالم با ما همراه خواهد شد. بدون این، ما مثل گروه دیگری از مردم دنیا خواهیم بود. وقتی انسانی با خدا نیست و برای خدا کار نمی‌کند، حالا اسمش ایرانی باشد، جای دیگری باشد، اسمش مسلمان باشد، غیرمسلمان باشد، چه تفاوتی می‌کند؟ چه تضمینی هست که اگر کسی فرضاً یک اعتقاد دینی هم به اسلام دارد و چند عمل عبادی را هم انجام می‌دهد، این عزت اسلامی هم با او باشد؛ کما اینکه دیدیم قرن‌ها گذشت و عزت اسلامی با ما نبود.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۲/۲۱)

قرآن بر این اساس با بیان سنت‌های خویش، قوانین عالم را بیان می‌کند که مطالعه آن برای مدیران به معنای آشنایی بهتر بر معادلات جهان و هماهنگ شدن با آن است.



نتیجه

توجه به سنت‌های مطلق و مقید خداوند در قرآن و اشراف بر آن‌ها شناخت دقیقی از جریان مؤمنین و کافران خواهد داد؛ خصوصاً توجه به سنت‌های خاصی که ناظر به جبهه مؤمنین است. سنت‌هایی مانند سنت استخلاف، سنت هدایت، سنت اضلال، سنت ابتلا و آزمایش، سنت امداد، سنت تغییر و عدم تغییر، سنت امدادهای الهی سنت‌هایی است که یک مدیر الهی به واسطه انس با آموزه‌های قرآن در مواجهه با آن و عنایت به مطلق یا مقید بودن آن و نوع عمل و عکس‌العمل آن به تشخیص و تصمیم مقتضی آن دست می‌زند. توجه به سنت‌های الهی از این منظر زمینه‌ای برای ایجاد امید به حرکت و خوش‌بینی به عالم ایجاد می‌کند. شناختی که به واسطه فهم سنت‌های الهی اتفاق می‌افتد تکلیف رهبر و پیروان را در مقابل حوادث گوناگون روشن‌تر می‌کند و تحمل ابهام آن‌ها را نیز افزایش می‌دهد چراکه شناخت نظم‌های موجود در عالم و در نتیجه بهره‌مندی از آن قواعد باعث ایجاد روشن‌بینی در درک و تحلیل حوادث خواهد شد و در نتیجه امیدهایی در عرصه‌های مدیریتی مدیران ایجاد خواهد کرد. سنت‌های الهی دارای ویژگی‌هایی مانند استمرار، تکرارپذیری، تخلف‌ناپذیری و عمومیت داشتن است. سنت‌های الهی به واسطه داشتن چنین نشانه‌ها و ویژگی‌هایی که دارد برای مدیر، تولید مبنایی خواهد کرد که بر اساس آن امیدوارانه حرکت کند.

آموزه‌هایی مانند سنت‌ها در قرآن بر رفتار مدیران و خصوصاً تصمیم‌های آن‌ها مؤثر خواهد بود که محوری‌ترین جلوه آن مدیریت امیدمحور و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. چنین مدیری در مقابل اتفاقات پیش رو منفعل نخواهد شد و همیشه دست برتر و بالاتر را خواهد داشت. کنشگری فعال بر اساس امید، رهاورد چنین بینشی است. او به واسطه



داشتن چنین تصویر روشنی که به پشتوانه آیات روشن خدا از سنت‌ها دارد دچار سردرگمی، ابهام و ناامیدی نخواهد شد و در عوض مدیریت او سرشار از نشاط و امید به آینده خواهد بود. این اثر امیدهای صادق به پشتوانه آموزه‌های وحیانی است. چنین مدیریتی حرکت‌بخش و تحول‌آفرین خواهد بود. قرآن بر این اساس با بیان سنت‌های خویش، قوانین عالم را بیان می‌کند که مطالعه آن برای مدیران به معنای آشنایی بهتر بر معادلات جهان و هماهنگ شدن با آن است.



منابع

قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، لبنان، مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰.
۲. پیروز، علی آقا و دیگران، مدیریت در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۳. توکلی، عبدالله، اصول و مبانی مدیریت، تهران، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۳.
۴. حامد مقدم، احمد، سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۹.
۵. خامنه‌ای، سید علی، دغدغه‌های فرهنگی، گردآوری و تنظیم متن: مرکز صها، تهران، موسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۰.
۶. رضائیان، علی، اصول مدیریت، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۳.
۷. صدر، سید محمدباقر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه و تحقیق دکتر سید جمال‌الدین موسوی اصفهانی، تهران، تفاهم، ۱۳۸۰.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۱۲.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۱. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۶۹.



۱۲. علوی، سید علی اصغر، آنچه در دانشکده مدیریت نیاموختم، تهران، سدید، ۱۳۹۸.
۱۳. علی اکبری رنانی، حسن، جریان الربوبیه یا نظام سنن الهی در قرآن، به همت و تلاش محمد شاه محمدی، تهران، حدیث عشق، ۱۳۹۸.
۱۴. فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت، دار الملاک، ۱۴۱۹ ه. ق
۱۵. قانع، احمدعلی، علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن کریم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۷۹.
۱۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۱۷. قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، ۱۴۲۵.
۱۸. کرمی فریدنی، علی، ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، قم، نسیم انتظار، ۱۳۸۳.
۱۹. مرادخانی تهرانی، احمد، سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۴.
۲۰. مشرقی، محسن، عقیقی، فاطمه، کتاب کار بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، موسسه علمی آینده‌سازان، ۱۳۹۸.
۲۱. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، قم، دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۲۴.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۳. هرسی، پال، بلانچارد، کنت، مدیریت رفتار سازمانی (کاربرد منابع انسانی)، ترجمه علی علاقه بند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.



Bibliography

Quran Karim (The Noble Quran).

۱. Alavi, Seyyed Ali-Asghar, *Anche Dar Daneshkadeh Modiriyat Niamookhtam (What I Didn't Learn in the Management School)*, Tehran: Sadid Publications, ۱۳۹۸ SH (۲۰۱۹ CE).
۲. Ali Akbari Renani, Hassan, *Jaryan al-Rububiyyah ya Nizam-e Sonan-e Elahi dar Quran (The Divine System of Traditions in the Quran)*, Edited by Mohammad Shamohammadi, Tehran: Hadith of Love Publications, ۱۳۹۸ SH (۲۰۱۹ CE).
۳. Fadlallah, Mohammad Hossein, *Min Wahy al-Quran (From the Inspiration of the Quran)*, Beirut: Dar al-Malak, ۱۴۱۹ AH (۱۹۹۸ CE).
۴. Ghaane', Ahmad Ali, *Ellal-e Enhetat-e Tamaddon-ha az Didgah-e Quran Karim (Causes of Civilizational Decline from the Quranic Perspective)*, Tehran: Islamic Preaching Organization International Publishing, ۱۳۷۹ SH (۲۰۰۰ CE).
۵. Hamed Moghaddam, Ahmad, *Sonnat-ha-ye Ejtemai dar Quran Karim (Social Traditions in the Holy Quran)*, Mashhad: Islamic Research Foundation, ۱۳۷۹ SH (۲۰۰۰ CE).
۶. Hersey, Paul, and Blanchard, Kenneth, *Modiriyat Raftar-e Sazmani (Karbor-e Manabe' Ensani) (Organizational Behavior Management: Application of Human Resources)*, Translated by Ali Alagheband, Tehran: Amirkabir Publications, ۱۳۸۴ SH (۲۰۰۵ CE).



۷. Ibn Ashur, Mohammad Tahir, *Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir (The Interpretation of Liberation and Enlightenment)*, Lebanon: Mu'assasah al-Tarikh al-Arabi, ۱۴۲۰ AH (۱۹۹۹ CE).
۸. Karami Fereydani, Ali, *Zohour va Soghoot-e Tamaddon-ha az Didgah-e Quran (The Rise and Fall of Civilizations in the Quranic View)*, Qom: Nasim Entezar, ۱۳۸۳ SH (۲۰۰۴ CE).
۹. Khamenei, Seyyed Ali, *Daqdaqueh-haye Farhangi (Cultural Concerns)*, compiled by Sahba Center, Tehran: Iman Jahadi Institute, ۱۳۹۰ SH (۲۰۱۱ CE).
۱۰. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir-e Nemouneh (The Exemplary Commentary)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۳۷۴ SH (۱۹۹۵ CE).
۱۱. Mashreghi, Mohsen, and Aghighi, Fatemeh, *Ketab-e Kar-e Bayaneye Gham-e Dovom Enqelab-e Eslami (Workbook of the Second Step of the Islamic Revolution Statement)*, Tehran: Ayandeh Sazan Scientific Institute, ۱۳۹۸ SH (۲۰۱۹ CE).
۱۲. Moghnieh, Mohammad Jawad, *Al-Tafsir al-Kashif (The Clarifying Exegesis)*, Qom: Dar al-Kitab al-Islami, ۱۴۲۴ AH (۲۰۰۳ CE).
۱۳. Moradkhani Tehrani, Ahmad, *Sonnat-ha-ye Ejtemai-e Elahi dar Quran (Divine Social Traditions in the Quran)*, Qom: International Center for Translation and Publication of Al-Mustafa, ۱۳۹۴ SH (۲۰۱۵ CE).
۱۴. Pirooz, Ali-Agha, et al., *Modiriyat dar Eslam (Management in Islam)*, Qom: Hawzeh wa Daneshgah Research Center, ۱۳۸۴ SH (۲۰۰۵ CE).



۱۵. Qara'ati, Mohsen, *Tafsir-e Noor (The Light Commentary)*, Tehran: Cultural Center of Quran Teachings, ۱۳۸۳ SH (۲۰۰۴ CE).
۱۶. Qutb, Seyyed, *Fi Zilal al-Quran (In the Shade of the Quran)*, Beirut: Dar al-Shorouq, ۱۴۲۵ AH (۲۰۰۴ CE).
۱۷. Rezaeian, Ali, *Osul-e Modiriyat (Principles of Management)*, Tehran: SAMT Publications, ۱۳۸۳ SH (۲۰۰۴ CE).
۱۸. Sadr, Seyyed Mohammad Baqir, *Sonnat-ha-ye Tarikh dar Quran (Historical Traditions in the Quran)*, Translated and Researched by Dr. Seyyed Jamaluddin Mousavi Esfahani, Tehran: Tafahom Publications, ۱۳۸۰ SH (۲۰۰۱ CE).
۱۹. Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Collection of Elucidation in Quranic Exegesis)*, Tehran: Naser Khosro Publications, ۱۳۷۲ SH (۱۹۹۳ CE).
۲۰. Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Tafsir Jame al-Jame (The Comprehensive Commentary)*, Qom: Hawzeh Elmiyeh Qom, Markaz Modiriyat, ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۱ CE).
۲۱. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Mizan in the Exegesis of the Quran)*, Beirut: Mu'assasah al-A'lami lil-Matboo'at, ۱۳۹۰ AH (۱۹۷۰ CE).
۲۲. Tavakoli, Abdollah, *Osul va Mabani Modiriyat (Principles and Fundamentals of Management)*, Tehran: Zamzam Hedayat Publications, ۱۳۸۳ SH (۲۰۰۴ CE).
۲۳. Tayyib, Abdolhossein, *Atiyyab al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Purest Elucidation in Quranic Exegesis)*, Tehran: Eslam Publications, ۱۳۶۹ SH (۱۹۹۰ CE).